

Pedagogical Criteria for Teachers Compatible with the Islamic Revolution from the View of the Supreme Leader¹

Mehdi Mohammadzadeh Bani Tarabi¹, Milad Shamakhte², Hamidreza Mashhadhi³

¹ Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Farhangian University, Qazvin, Iran
(Corresponding author). mahdi6030@gmail.com

² Ph.D. Student, Qur'an and Psychology, Jamiat Al-Mustafi, Qom, Iran.
shamakhte1997@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Qazvin,
Iran. h.r.mashhadi@cfu.ac.ir

Abstract

The purpose of the present study is to review pedagogical criteria for teachers compatible with the Islamic revolution from the view of the supreme leader. The method of research is descriptive-analytic and the results showed that the criteria for teachers who are compatible with the revolution involve: revolutionary spirit, insight, idealism, reliance on religious principles, mobility, self-construction in the light of spirituality, organizational pedagogy besides individual education, scientific-jihadi against negligence, opposition to cultural transformation, analytical and critical thinking, self-belief in scientific development, and concern for Jihad of Tabyin (explanation). Furthermore, some strategies to perform this model of teacher training include: seeking inspiration from the Declaration of the Second Step and Fundamental Document of Transformation, holding theoretical and practical in-service training courses, strict filtering in teacher recruitment, reforming macro policies, and providing the background for the improvement of in-service training.

Keywords: Teacher Training, Education and Pedagogy, Supreme Leader, Student.

1. Received: 2022/03/30 ; Revision: 2022/05/13 ; Accepted: 2022/06/15 ; Published online: 2022/06/22

© the authors

<http://tarbiatmotali.ismc.ir/>

Publisher: Teacher-Propagator Training Center of Seminaries



شاخصه‌های تربیتی معلم تراز انقلاب اسلامی از منظر مقام معظم رهبری^۱

مهدی محمدزاده بنی‌طرفی^۱، میلاد شماخته^۲، حمیدرضا مشهدی^۳

^۱ استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، قزوین، ایران (نویسنده مسئول).

mahdi6030@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری، رشته قرآن و روانشناسی، جامعه المصطفی، قم، ایران. shamakhte1997@gmail.com

^۳ استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، قزوین، ایران. h.r.mashhadi@cfu.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی شاخصه‌های تربیتی معلم تراز انقلاب اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که شاخصه‌های تربیتی معلم تراز انقلاب عبارتند از: روحیه انقلابی، بصیرت، آرمان‌خواهی، تکیه بر مبانی دینی، بالندگی، خودسازی در پرتو معنویت، تربیت سازمانی در عین تربیت فردی، روحیه علمی جهادی در مقابل سهل‌انگاری، مقابله با استحاله فرهنگی، روحیه تحلیل‌گری و تفکر نقاد و خودباوری در پیشرفت علمی و دغدغه جهاد تبیین. همچنین از جمله راهکارها برای اجرای این مدل معلم‌پروری عبارتند از: الهام از بیانیه گام دوم و سند بنیادین تحول، برگزاری دوره‌های تئوری و عملی ضمن خدمت، فیلتر قوی جذب و گزینش معلمان، اصلاح سیاست‌های کلان و فراهم آوردن زمینه پیشرفت ضمن خدمت.

کلیدواژه‌ها: تربیت معلم، آموزش و پرورش، مقام معظم رهبری، دانش‌آموز.

۱. مقدمه

امروزه دانش‌آموزان در دنیایی متفاوت با دنیایی که نسل پیش تجربه می‌کردند، رشد می‌کنند. با توجه به این تغییرات، ضروری است مدرسه‌ها قادر باشند دانش‌آموزان را با درک کافی از فناوری و اطلاعات کاربردی در حیات دنیوی مجهز کنند. رفتار آموزگار، اصلی‌ترین منبع تربیتی برای دانش‌آموزان است. به نظر واضعان نظریه یادگیری اجتماعی^۱ (سیف، ۱۳۸۵، ص ۲۱۲) مهم‌ترین نوع یادگیری انسان، یادگیری مشاهده‌ای^۲ است. به اعتقاد این روان‌شناسان اگر ما قادر نبودیم که در محیط اجتماعی از طریق مشاهده رفتار و اعمال دیگران به یادگیری بپردازیم، زندگی ما مختل می‌شد. در چنین حالتی، باید وقت و نیروی زیادی را صرف کسب دانش، مهارت‌ها، و نگرش‌های مختلف می‌کردیم، و چه بسا در این کار با اشتباهات بسیاری روبه‌رو می‌شدیم. اما خوشبختانه ما مقدار زیادی از دانش‌ها، مهارت‌ها و سایر یادگیری‌هایمان را از راه مشاهده رفتار والدین، دوستان، معلمان و نیز از طریق مشاهده پیامدهای رفتار آنان کسب می‌کنیم. یادگیری مشاهده‌ای، در واقع همان سرمشق‌گیری است که در آن فرد با انتخاب یک الگوی سرمشق به تقلید از رفتار آن می‌پردازد. بر همین اساس، یکی از روش‌های تربیت، تربیت به‌وسیله الگو است، که می‌توان آن را «روش الگویی» نامید. معلم بهترین الگو برای تربیت نسل جدید یک جامعه است.

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های آموزش و پرورش بحث معلم و مربی‌ها هستند؛ که به‌عنوان سکانشناس آموزش و تربیت نیروی انسانی کشور مطرح می‌باشند. معلم و مربی‌ای که شایستگی‌های لازم در عرصه‌های تربیتی، اخلاقی، حرفه‌ای و... را دارد. تحقق این هدف نیازمند ترسیم نظام شایستگی‌های مربیان و معلمان است که در آن شایستگی‌ها و بایستگی‌های معلم تراز انقلاب به‌صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. از این‌رو، تأکیدات حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت تحول بنیادی در آموزش و پرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی - ایرانی و تدوین الگویی اسلامی - ایرانی برای تحول و پرهیز از الگوهای وارداتی، کهنه و تقلیدی محض، چراغ راه برون‌رفت از چالش‌های نظام آموزشی کشور است. بنابراین، نگاهی دوباره به تربیت معلمان و مربیان نیز از آن حیث، درخور توجه و استعانت است. مقام معظم رهبری در تکریم شخصیت و جایگاه معلم تراز انقلاب اسلامی می‌فرماید: «یک کشور اگر بخواهد به سرفرازی برسد، به رفاه و غنا برسد، به علم و تفوق علمی منتهی شود، اگر بخواهد مردم شجاع، آزاده، فهمیده، عاقل، خردمند و متفکر تحویل جامعه‌ی بشری دهد، باید

1. Social learning theory

2. Observational learning

این زیرساخت اصلی را درست کند؛ زیرساخت تعلیم دوران کودکی و نوجوانی. این، شأن معلم است» (مقام معظم رهبری، ۱۸/۰۲/۹۲).

در تربیت اسلامی نقش و رسالت معلم منحصر به فرد است و سفارشات اکیدی در خصوص ویژگی‌های اخلاقی، اهمیت جایگاه و نقش، و خطیر بودن وظیفه‌ای که بر عهده دارد شده است و در این باب، احادیث، روایات و نظریات فراوانی وجود دارد. معلم تنها یک آموزگار برای انتقال معلومات علمی و دانش نیست بلکه الگویی بانفوذ است که نمی‌تواند نسبت به اصول اخلاقی خویش بی تفاوت باشد، چون محدوده اخلاقیاتش فراتر از خود اوست و در واقع اخلاق و عمل معلم در جریان آموزش به مراتب بیش‌تر از سخن و کلامش بر شاگردان اثر خواهد داشت. از همین رو، در بسیاری از موارد شاگردان در شخصیت‌پذیری خود نقش معلم را بسیار مؤثر می‌دانند. این مهم تا جایی است که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به صراحت از صلاحیت و شایستگی‌های معلمی هم صحبت به میان آمده است. هدف‌های عملیاتی و راهکارها در بند دوم از فصل هفتم سند ملی تحول، این چنین آمده است: استقرار نظام سنجش صلاحیت‌های عمومی، تخصصی و حرفه‌ای، تعیین ملاک ارزیابی و ارتقای مرتبه (نظام رتبه‌بندی) علمی و تربیتی معلمان و تقویت انگیزه ارتقای شغلی در آنان براساس نظام معیار اسلامی (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۵).

آیت‌الله خامنه‌ای، به‌عنوان یک اندیشمند اسلام‌شناس، که نقشه مسیر ایران اسلامی را ارائه می‌دهد؛ در سخنرانی‌ها و دیدارهای مختلف، شاخص‌هایی را در وصف معلم تراز انقلاب اسلامی معرفی فرموده‌اند. محققان نیز اهتمام ویژه‌ای به تحقیق در عرصه تربیت معلم و اخلاق حرفه‌ای مربی، داشته‌اند. از جمله پایان‌نامه با عنوان «اخلاق حرفه‌ای معلم» اثر مرادویسی (۱۳۹۹)، کتاب «معلم نمونه» اثر احمد آرام (۱۳۴۱)، کتاب «ویژگی‌های معلم نمونه» اثر مجید رشیدپور (۱۳۶۰)، همچنین «طراحی مدل تربیت معلم آینده در نظام آموزشی ایران»، اثر فاطمه حیدری و طیبه تجری یا در عرصه بهترین نوع تربیت معلم در سطح جهان اثر «نوآوری‌های اخیر در تربیت معلم» اثر احمدی و همکاران (۱۳۹۶)، می‌توان نام برد. اما بعد از جستجوهای فراوان، در عرصه معلم تراز انقلاب اسلامی به‌لحاظ سیاسی از دید حکیم فرزانه، مقام معظم رهبری اثر و یا تحقیقی دیده نشد. بنابراین، بر آن شدیم، این امر حائز اهمیت فراوان را مورد پژوهش قرار دهیم.

۲. روش پژوهش

در پژوهش حاضر اطلاعات مورد نیاز با شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شد. پس از جستجو و

شناسایی منابع مفید و مرتبط با موضوع در حوزه پژوهش، با استفاده از ابزار فیش‌برداری با ذکر دقیق منبع، اطلاعات جمع‌آوری شده را با یک نظم منطقی و دسته‌بندی شده ارائه داده و سپس با روش توصیفی و تحلیلی، محتوای آن‌ها بررسی شد. در نهایت شاخص‌های تربیتی معلم شایسته و مطلوب از دیدگاه مقام معظم رهبری تبیین شد.

مدرسه، یک جامعه کوچک است و آموزگار، نقش کشاورزی را بر عهده دارد که می‌تواند دانه‌های روشن‌گری دینی، ارزش‌های انسانی، سلامتی و تندرستی و مانند آن را در ضمیر مخاطبین خود کاشته و نسل فردا را از مفساد اجتماعی و زشتی‌های جامعه دور نگاه دارد. حال شاخص‌های تربیتی یک معلم تراز انقلاب اسلامی را از نگاه مقام معظم رهبری تعریف می‌کنیم.

۱) روحیه انقلابی

مقام معظم رهبری با تأکید بر انقلابی بودن یک معلم و با اشاره به شخصیت والای علامه مرتضی مطهری ایشان را به‌عنوان یک معلم با روحیه انقلابی معرفی می‌کنند. در توصیف روحیه انقلابی یک معلم این‌گونه می‌فرمایند: شهید علامه مطهری علاوه بر مجاهدت در حوزه علم و اندیشه، اهتمام و جدیت بسیاری در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دوران خود به‌ویژه در راستای تقویت گفتمان انقلاب اسلامی ایران داشت، خصیصه‌هایی همچون تقوا، اخلاص، خردمندی، تواضع، حریت، بصیرت، انصاف، فتوت و روحیه انقلابی و جهادگری از این شهید دانشمند، بزرگ‌مردی خداجو، ولایتمدار، مردمی و مانا ساخت و نام پرافتخار این استاد فرزانه را در زمره مردان خدا، سربازان حضرت ولی‌عصر (عج) و خدمت‌گزاران راستین نظام مقدس جمهوری اسلامی ثبت کرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۲/۱۲).

رهبر انقلاب در دیداری با معلمان و فرهنگیان بر ضرورت تقویت روحیه انقلابی‌گری در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی تأکید کردند و در نقد عملکرد آنانی که در مسیر فراگیری روحیه انقلابی سنگ‌اندازی می‌کنند، فرمودند: «خداوند نخواهد گذشت از آن کسانی که با قلمشان، با بیانشان سعی می‌کنند روحیه انقلابی را در بین مردم ما و جوان‌های ما تضعیف کنند. خدا از این‌ها نمی‌گذرد. روحیه انقلابی جان این ملت و روح این ملت است. آن وقت، آن قلمی که این روحیه را در مردم تضعیف و تشکیک کند در انقلاب، این را خدا خواهد بخشید؟» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۲/۱۱).

این سطح از تأکید و با این ادبیات انتقادی و هشدارگونه، اذهان عمومی را با این سؤال مواجه می‌سازد که چه دستاوردهایی در گسترش روحیه انقلابی‌گری در جامعه نهفته است که تأکید بر آن به یکی از اولویت‌های مدنظر رهبر انقلاب بدل شده است؟ معظم‌له چه خطراتی را مشاهده می‌کرده و

می‌کنند که بر این مسئله چنین تأکید ویژه‌ای دارند؟ انقلابی‌گری چه مشکلاتی از کشور را قرار بوده مرتفع کند که تاکنون به دلیل جاری و ساری نبودن آن در همه بخش‌های جامعه چنین اتفاق خوبی نیفتاده است؟

۲) بصیرت

بصیرت در لغت عرب به معنای عقیده قلبی، شناخت، یقین، زیرکی و عبرت آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۸۱۴). در فرهنگ معین نیز دانایی، بینایی، بینایی دل، هوشیاری، زیرکی و یقین معنی شده است (معین، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۳۴). رهبر انقلاب اسلامی به‌عنوان الگوی معلمان عالم، در وصف شهید مطهری می‌فرماید: زندگی او، تلاش مخلصانه و مؤمنانه و عالمانه، همراه با احساس درد، همراه با یک بصیرت کامل در میدان علم و معرفت و فرهنگ بود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۲/۱۴).

بسیاری از معلمان و دبیران، اذعان دارند که کلام و رفتارشان تأثیر بسیار زیادی روی دانش‌آموزان داشته است. معلم اگر نظم و ترتیب را رعایت کند، از دانش خوبی برخوردار باشد و به روش جذابی تدریس کند، به دل دانش‌آموز می‌نشیند و می‌تواند با بیان یک جمله چنان بصیرت‌بخشی کند و چنان تأثیری روی دانش‌آموز خودش بگذارد که شاید یک واعظ با ساعت‌ها موعظه نتواند آن تأثیر را به‌وجود آورد. دانش‌آموزان به‌طور کلی در نگاهشان به معلم، شخصیتی را می‌بینند که دارای رفتاری منطقی، دقیق و برنامه‌ریزی شده است و برای هر کلام و گفتار خود دلیل و برهانی از پیش آماده دارد. این نوع نگاه و برداشت از شخصیت معلمان، مسئولیت و رسالت واقعی آن‌ها را که همانا بصیرت‌بخشی به دانش‌آموزان است، دوچندان می‌کند. زیباترین و دقیق‌ترین تعبیر و تفسیر از بصیر و بصیرت را می‌توان در کلام امیرالمؤمنین علی (ع) در «نهج‌البلاغه» یافت که فرمودند: «اهل بصیرت کسی است که بشنود و بیندیشد و بنگرد و ببیند و از حوادث عبرت گیرد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۳). بصیرت موجب تربیت افرادی خواهد شد که در برخورد با مسائل می‌توانند به‌طور منطقی استدلال کنند، از قدرت تجزیه و انتزاع برخوردارند و درباره پدیده‌های پیرامونی تئوری‌های جامع می‌سازند. وجه مهم بصیرت، توانمندسازی انسان برای توصیف دقیق موقعیت‌های پیچیده و پیش‌بینی و کنترل وضعیت‌های ممکن مادی-طبیعی، اقتصادی و اجتماعی است. تدریس با روحیه بصیرت، آن هم با رویکرد «تدریس از طریق حل مسئله»، و به نوعی درگیر شدن و درنهایت ساختن مفاهیم ریاضی توسط یادگیرنده، ماندگاری بهتر و مؤثرتری دارد. این‌گونه درگیر شدن با مفاهیم و مسائل، تفکر ریاضی مورد نظر در سند برنامه درسی ملی را بهتر و مؤثرتر می‌تواند ایجاد کند و این «تفکر بصیرانه» و یا «بصیرت‌وار اندیشیدن»

می‌تواند از عوامل تأثیرگذار در رشد و ارتقای بصیرت مورد نظر در کلام امیرالمؤمنین علی(ع) باشد. در همین راستا، رهبر فرزانه انقلاب در بخشی از بیاناتشان در جمع دانشجویان استان قم در سال ۱۳۸۹ این نکته را یادآور شدند که: «این بصیرتی که در حوادث لازم است و در روایات و در کلام امیرالمؤمنین(ع) هم روی آن تکیه و تأکید شده، به معنای این است که انسان در حوادثی که پیرامون او می‌گذرد و در حوادثی که پیش‌روی اوست و به او ارتباط پیدا می‌کند، تدبیر کند. سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند... حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، و در آن‌ها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می‌کند؛ یعنی بینایی ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹).

۳) آرمان‌خواهی

اگر تاریخ، قوانین اساسی و سخنرانی‌های رهبران کشورها مورد مطالعه قرار گیرد مواردی به‌عنوان اهداف نهایی حکومت‌ها تبیین می‌شود به نام آرمان‌های غایی که سعی حکومت‌ها اجرایی شدن آن‌ها است. جمهوری اسلامی ایران هم از این قاعده مستثنی نیست. حتی از زمان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی آرمان‌های انقلاب در شعارهای مردم و سخنرانی‌های امام خمینی و بزرگان نظام بیان شده است. در طول رهبری امام و بعد از ایشان و حتی تا زمان حال گاهی برخی افراد و محافل خواسته و ناخواسته در خارج و داخل کشور سعی کردند در آرمان‌های ملت و انقلاب تشکیک کنند. بنابراین ضروری است یک معلم نمونه به این مهم اشراف داشته باشد. در ادامه مفهوم آرمان‌خواهی از منظر مقام معظم رهبری بررسی می‌شود.

رهبر معظم انقلاب فرمودند: «امروز آرمان‌ها و آرزوهای امام، از هر چیز دیگر زنده‌تر است؛ دنیا هم از آن‌ها می‌ترسد. خبرگزاری‌های جهان و محافل تحلیل‌گر سیاسی، ایران را زیر ذره‌بین گذاشته‌اند و لحظه‌به‌لحظه تحلیلی را منتشر می‌کنند. آن‌ها به دروغ می‌گویند رهبر جدید چنین و چنان خواهد کرد؛ بعد که دیدند آن‌گونه نشد و راه و هدف ما، راه و هدف امام است و توصیه‌های او را به‌کار می‌بندیم و همواره او را معلم خود می‌دانیم، لحن گفتارشان عوض شد! آن‌ها از شخص امام، به خاطر آن آرمان‌ها می‌ترسند. ما همان راهی را که آن بزرگوار رفت، ادامه خواهیم داد؛ زیرا برتر و والاتر و شیرین‌تر و مقدس‌تر و شایسته‌تر از آرمان‌های او - امام خمینی - سراغ نداریم» (مقام معظم رهبری، ۶۸/۰۳/۱۸). این گفتار به طرز شگفت‌آوری تا الان هم صدق می‌کند.

۴) تکیه بر مبانی دینی

ویژگی بعدی معلم مطلوب در نظر رهبر معظم انقلاب، تکیه رفتار و منش و بینش معلم بر مبانی

فقهی اسلام عزیز است. رهبر انقلاب اسلامی در این باره می‌فرماید: این سخن امام خمینی که معلمی را شغل انبیاء دانستند، یک شعار تبلیغاتی نبود، سخن قرآن بود که فرموده است: «و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة»... تزکیه و تعلیم و کتاب و حکمت الهی چهار واژه کلیدی در دعوت اسلام و همه پیامبران است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۲/۱۲). هدف از آموزش تنها افزایش معلومات مخاطب نیست، حتی در درس مرتبط با دین مثل قرآن و دینی، هدف اصلی ارتقاء سطح معلومات مذهبی دانش‌آموزان نیست، بلکه هدف اصلی، پرورش ایمان و نیل به تربیت دینی و الهی است. به عبارت دیگر، هدف اصلی «دین‌آموزی» نیست، بلکه «تدین» است.

روح متعلم در کودکی حالت قابل انعطافی دارد و هرچه بزرگ‌تر می‌شود، انعطاف آن کم‌تر می‌گردد. در دنیای کنونی توسعه و ایجاد مدارس به مفهوم امروزی، گسترش سریع فناوری و ارتباطات، صنعتی شدن جوامع و نیازهای متنوع عصر انفجار دانش، دایره تأثیرگذاری عوامل مختلف بر افکار و اندیشه‌های دانش‌آموزان را گسترده‌تر از گذشته کرده است. بنابراین، سهم خانواده‌ها و حتی معلمان در تکوین شخصیت دانش‌آموزان، روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌شود. عوامل محیطی به‌ویژه رسانه‌ها نقش عمده‌ای را بر عهده دارند و به‌صورت شبانه‌روزی در تغییر اندیشه‌ها و افکار کودکان، نوجوانان و حتی بزرگسالان نقش تأثیرگذار و مهم خود را ایفا می‌کنند. آنچه مسلم است اینکه هنوز مدارس ما به‌عنوان اصلی‌ترین کانون‌های تربیتی مورد توجه و برنامه‌ریزی دقیق و صریح قرار نگرفته است. اگر نظام آموزش و پرورش ما بخواهد از مسیر آموزش‌های صرف به سمت تربیت دینی، اخلاقی و اجتماعی حرکت کند، لازم است بسیاری از اهداف و روش‌ها را تغییر دهد. از جمله این تغییرات، تغییر معلمان از آموزگار صرف، به آموزگاری که با رعایت فقه و شریعت اسلام، تدین را به نسل جدید هدیه می‌دهد. برای اجرای این اصل مهم، ضروری است که آموزگار ما، بر مبانی شریعت و فقه، تا حدودی اشراف اطلاعاتی داشته باشد. چراکه هویت‌سازی دانش‌آموز و یادگیری بنیادین شخصیتش، با ایمان و عمل آموزگار رابطه مستقیم دارد.

(۵) بالندگی

مقام معظم رهبری در سبک تدریس مدرسان روی کلیدواژه بالندگی تأکید می‌کند و می‌فرماید: از آن -گسترش مدارس و مراکز علمی- مهم‌تر، مسأله بالندگی است. بالندگی به معنای پیشرفت و یک قدم جلو رفتن و آفاق تازه‌ای را کشف کردن است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۹/۱۲).

در عصر حاضر، لازمه موفقیت آموزش و پرورش در جوامع مختلف، توسعه حرفه‌ای و افزایش دانش و مهارت معلمان است. از این‌رو در دهه گذشته، اثربخشی مدارس قبل از هر چیز ناشی از توسعه

حرفه‌ای معلمان بوده است؛ زیرا کیفیت تعلیم و تربیت بستگی به کیفیت عملکرد معلمان دارد و برنامه‌های درسی در دستان معلم توانمند، بالنده و معتقد، جان می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند. در واقع معلم، اساسی‌ترین عامل برای ایجاد موقعیت مطلوب در تحقق هدف‌های آموزشی است و پیشرفت هر جامعه مرهون توان آموزشی معلمان آن جامعه است و دستیابی به اهداف نظام آموزش و پرورش بدون وجود معلمانی برخوردار از توانمندی‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای میسر نمی‌شود (دیبایی صابر و همکاران، ۱۳۹۵). ضرورت ایفای نقش مؤثر برای معلمان از این واقعیت ناشی می‌شود که آن‌ها به‌عنوان مجریان برنامه‌های درسی در ردیف اول قرار دارند و بدون اجرای برنامه‌های درسی نمی‌توان به مطلوب بودن یا نامطلوب بودن آن‌ها پی برد.

در این میان، معلمان در مدارس از اجزای مهم اجرای تربیت و آموزش در قالب فعالیت‌های مختلف هستند، چراکه نقش معلمان در جایگاه پایه‌گذاران آموزش و تربیت در کشور بر تمام بخش‌ها بسیار تأثیرگذار است. از این رو تعیین ارتقای بالندگی حرفه‌ای برای آن‌ها اصل اساسی خواهد بود. در واقع بالندگی حرفه‌ای عبارت است از «فرایندها و فعالیت‌های طرح‌ریزی شده به منظور افزایش دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های حرفه‌ای معلمان تا اینکه بتوانند موجب بهبود آموزش و در نهایت بهبود فرایند یادگیری دانش‌آموزان شوند» (گاسکی، ۲۰۰۰). موضوع بالندگی حرفه‌ای معلمان، فرایندی در حال رشد، تحول، تکامل و بخشی از زندگی پدیداری است که معلم در آن همواره تفاوت‌ها را تجربه می‌کند. کنش، پویایی، خلاقیت و مولد بودن ویژگی‌های همیشگی آن است. در جریان بالندگی، معلم از نقاط ضعف و توانایی‌های خودش بیشتر مطلع شده و مسیر «بودن» را به مسیر «شدن» در آموزش، پیوسته پیش‌رو دارد (گندمی و همکاران، ۱۳۹۶). در حال حاضر برنامه‌های تربیت حرفه‌ای معلمان با یک رویکرد غیرمنعطف و اثبات‌گرایانه و به شکل تجویزی و با اهداف و محتوای مشخص و در قالب دوره‌های مقطعی و کوتاه‌مدت بدون بهره‌وری درخور نظام آموزشی، به صورت گسسته و فارغ از کنترل و نظارت مؤثر انجام می‌گیرد. این رویکرد باعث از بین بردن نظام ارزش‌های معلم، انگیزه‌ها، تمایلات آموزشی مؤثر و از همه مهم‌تر بی‌نتیجه ماندن و اثرگذار نبودن پیشینه توانمند حرفه‌ای و علمی معلمان خواهد شد، به طوری که گفته شده است در ایران ضعف‌های زیادی در ملاک‌ها و معیارها و نیز نحوه گزینش و استخدام معلمان وجود دارد (سلیمان‌پور عمران، ۱۳۹۱). بنابراین، در وضعیت موجود صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی با وجود شرح وظایف مصوب و نظام ارزشیابی عملکرد در کشور، استانداردهای حرفه‌ای خاصی در حوزه‌های سنجش شایستگی عملکرد وجود ندارد (احمدی و سید عامری، ۱۳۹۴). از طرفی با اینکه وزارت آموزش و پرورش برای استخدام نیروی مورد نیاز خود از

آزمون‌های استخدامی بسیار سختگیرانه استفاده می‌کند و دوره‌های آموزشی پیش از خدمت و ضمن خدمت نیز به گستردگی برای آموزش و بازآموزی معلمان تربیت‌بدنی برگزار می‌شود، اما هنوز از نظر صلاحیت‌های ضروری معلمان تربیت‌بدنی کاستی‌هایی وجود دارد که بسیاری از این کمبودها به بی‌توجهی به تخصص‌گرایی در انجام حرفه مربوط می‌شود و گاهی افراد غیرورزشی و تحصیل‌کرده در رشته غیرمرتبط در پست معلمی تربیت‌بدنی در مدارس انجام وظیفه می‌کنند که آماده‌سازی این افراد برای تدریس موفقیت‌آمیز تربیت‌بدنی بسیار سخت‌تر از آموزش معلمان با تحصیلات مرتبط خواهد بود.

۶) خودسازی در پرتو معنویت دینی

مقام معظم رهبری جمله‌ای دارند در مقام معلم که می‌فرمایند: تشکیل هویت نسل جدید به دست معلم است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۲/۱۲). در جای دیگر می‌فرمایند: بچه‌ها را متدین بار بیاورید. متدین بار آوردن بچه‌ها همان چیزی است که می‌تواند آینده‌ی این کشور را آباد کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۲/۱۲).

به طبع راه تربیت نسل معنوی، این است که خود معلم در ابتدا روحیه معنویت مطلوبی داشته باشد. خودسازی مقدم است یا امر به معروف و نهی از منکر؟ به فرض که خودسازی مقدم باشد پس امر به معروف بر بسیاری از ما واجب نیست! پاسخ آنکه؛ خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه، ۱۱۲)، «مؤمنان کسانی هستند که توبه‌کنندگان و عبادت‌کاران و سپاس‌گویان و سیاحت‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سجده‌آوران و آمران به معروف و نهی‌کنندگان از منکر و حافظان حدود الهی و بشارت‌ده (به این چنین) مؤمنان».

چیزی که از ظاهر آیه برداشت می‌شود این است که: توبه و عبادت مقدم است بر امر به معروف و نهی از منکر. اما بی‌گمان منظور از این تقدّم، تقدّم زمانی نیست زیرا خودسازی که همان پیمودن راه کمال است حدّ نهایی ندارد و هرگز به پایان نمی‌رسد و اگر منظور تقدّم زمانی خودسازی بر امر به معروف و نهی از منکر باشد، نقض غرض خواهد بود زیرا هرگز زمان امر به معروف و نهی از منکر فرا نمی‌رسد (قرائتی، ۱۳۸۳). چنانچه از ظاهر آیات و روایات نیز به دست می‌آید، خودسازی از نظر رتبه و مقام مقدّم بر دگرسازی است. خودسازی دارای مراتب مختلفی است که با انجام واجبات و ترک محرّمات به دست می‌آید و یکی از همین واجبات که موجبات خودسازی را فراهم می‌سازد، توجه به تقوای جمعی جامعه و امر و نهی به دیگران برای ساختن جامعه‌ای بهتر است. در واقع امر به معروف و

نهی از منکر از مصادیق بارز خودسازی است. آمرین به معروف و ناهین از منکر در همین حد از خودسازی قرار دارند که برای رضای خدا به تبیین مسائل اسلامی به دیگران بپردازند و در جامعه روشن‌گری کنند و از ملامت ملامت‌گران نهراسند. البته کسانی که برای اهداف غیرالهی امر و نهی می‌کنند و یا بدون شناخت روش‌های صحیح و حدود امر و نهی، موجبات زحمت دیگران را فراهم می‌کنند یا باعث طرد افراد از آغوش اسلام می‌شوند، آمرین به معروف و ناهین از منکر نیستند.

نکته قابل توجه اینکه در روایات اهل بیت برای رهبران و پیشوایان جامعه اسلامی، خودسازی در حدّ بالا به‌عنوان یک پیش‌نیاز معرفی شده است. امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ اِمَامًا فَعَلَيْهِ اَنْ يَّدَّأ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلَيَكُنْ تَأْدِيْبُهُ بِسِيْرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيْبِهِ بِلِسَانِهِ» (مجلسی، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۵۶)، «کسانی که خود را پیشوای مردم قرار می‌دهند باید قبل از آن که به مردم آموزش بدهند خود را آموزش دهند، و باید مردم را با اعمالشان به رعایت آداب الهی دعوت کنند، پیش از آن که با زبانشان دعوت نمایند». حضرت در قسمت اول حدیث می‌فرماید: «قبل از تعلیم دیگران، معلّم خویش باش»؛ یعنی از خودسازی شروع کنید تا در دگرسازی توفیق یابید؛ طیبی که خود بیمار است و به علاج خود نمی‌پردازد، اگر به سراغ طبابت برای دیگران برود موفق نخواهد بود و مصداق ضرب‌المثل مشهور «طیب یداوی الناس و هو علیل» خواهد بود.^۱

۳. مقاومت در پرتو آگاهی

از ویژگی‌های یک مربی و معلم، در نظر رهبر معظم انقلاب مقاومت و دفاع توأم با آگاهی و اطلاعات سیاسی و آشنایی با مبانی اندیشه انقلاب اسلامی است. ایشان مقاومت آگاهانه را این‌گونه معنا می‌کنند: «امام حسین (ع) معلم مقاومت آگاهانه است و کار حسین بن علی فقط مقاومت هم هست دیگر می‌بینید، آن‌ها فشار آوردند در مدینه که باید بیعت کنی، گفت نمی‌کنم، فشار خیلی سخت بود. مسن‌ترین‌ها که خب سالیان درازی را در دوران طاغوت گذراندند خوب می‌دانند من چه می‌گویم. تحمیل‌های طاغوت، آقا بیا عضو حزب رستاخیز بشو، آقا بیا در فلان جا مثلاً فرض کن که در فلان مراسم شرکت کن، آقا فلان پول را بده، آقا فلان جا بیا، آقا فلان کار را بکن، این فشارهایی که روی مردم

۱. ضرب‌المثل فوق یک مصرع از شعر شاعر معروف «کمیت بن زید بن خنیس» است، بیت مورد اشاره طبق آنچه در تفسیر قمی، جلد اول، صفحه ۴۶ آمده، چنین است: «و غیر تقی یأمر الناس بالتقی ... طیب یداوی الناس و هو علیل» انسان بی‌تقوایی که، مردم را به پرهیزکاری فرامی‌خواند، همانند طیب بیماری است که درصدد معالجه بیماران برمی‌آید!.

می‌آوردند، مگر کسی جرأت داشت نفس بکشد ... حالا در زمان طاغوت یک نفر صریحاً و علناً بگوید آقا بنده حکومت شما را قبول ندارم و حاضر نیستم با شما بیعت کنم، خیلی قدرت می‌خواهد. در حالی که آن‌ها هم هیچ ملاحظه‌ای نداشتند هیچ، همه کار حاضر بودند بکنند. یزید یک حاکم مست لایعقل جری گستاخی بود که همه کار حاضر بود بکند یعنی حاضر بود امام حسین را با همه فرزنداناش و همه دوروبری‌هایش قتل عام کند به‌خاطر همین قضیه، و مگر نکرد؟ یک چنین وضعیتی. در مدینه گفتند بیعت کن گفت نمی‌کنم آمد مکه، در مکه فشار رویش زیاد شد دید که اینجا بناست همه کارها را انجام بدهند و موج آب رویش را بپوشاند، تمام بشود قضیه. نخواست بگذارد این کار بشود حرکت کرد و تا یک نهضت ایجاد کند اگرچه آن نهضت در پایان به همان عاقبت منتهی خواهد شد، بلند شد آمد کوفه و در بین راه کوفه با فشارها مقاومت کرد، باز هم می‌آمدند، می‌ملاقات، می‌نمی‌دانم فلان، بالأخره هم به آن جنگ رسید. باز مقاومت کرد تا شهید شد. یعنی سبیل مقاومت، رمز مقاومت، منتها مقاومت آگاهانه مقاومتی که می‌داند می‌خواهد چه کار کند هدفش چیه. این بایستی برای ملت‌ها، برای دولت‌ها، برای شخصیت‌ها، برای ملت انقلابی خودمان یک اسوه باشد، یک الگو باید باشد» (مقام معظم رهبری، ۶۲/۲/۲۶). یک معلم نمونه، باید آگاهانه از اعتقادات و منویات مقدسش، دفاع کند و روحیه مقاومت آگاهانه را گسترش دهد. همانطور که رهبری می‌فرماید: مقاومت، تنها با استحکام بخشیدن به بنیان‌ها صورت می‌گیرد. هر سیل بنیان‌کنی وقتی به یک صخره استوار برسد، نمی‌تواند در آن اثر بگذارد. ما باید خود را استوار و مستحکم کنیم و بنیان‌های فرهنگی و اقتصادی و سیاسی خود را استحکام ببخشیم. هر کاری که در جهت استحکام بخشیدن باشد، مقدّس، خوب و مورد اجر و ثواب الهی است. هر چیزی که در جهت متزلزل کردن این پایه‌ها و بنیان‌ها باشد، بد است. این دیگر ربطی به جناح و حزب و گروه و تشکیلات ندارد. به نظر من معیار و ملاک، این است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۳/۷).

همچنین ایشان در جای دیگری درس پیامبر اکرم (ص) به ملت را مقاومت آگاهانه معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «همان ایستادگی اول بعثت، منجر می‌شود به استقامت عجیب سه سال در شعب ابی‌طالب. شوخی نیست؛ سه سال در یک دره‌ای در مجاورت مکه، بدون آب، بدون گیاه، در زیر آفتاب سوزان. پیغمبر، جناب ابی‌طالب، جناب خدیجه، همه مسلمان‌ها و همه خانواده‌هایشان، توی این تکه - شکاف کوه- زندگی کردند. راه هم بسته بود که برای این‌ها غذا نیاید؛ خوراک نیاید. گاهی در ایام موسم - که بر طبق سنن جاهلی آزاد بود، یعنی جنگ نبود- می‌توانستند داخل شهر بیایند؛ اما تا

می‌خواستند جنسی را در دکانی معامله کنند، ابوجهل و ابولهب و بقیه بزرگان مکه به نوکرها و فرزندان خودشان سفارش کرده بودند که هر وقت آن‌ها خواستند جنسی را بخرند، شما وارد معامله شوید؛ دو برابر پول بدهید؛ جنس را شما بخرید و نگذارید آن‌ها جنس بخرند. با یک چنین وضعیت سختی، سه سال را گذراندند. این، شوخی است؟ آن استقامت اولی، آن عمود مستحکم این خیمه، آن دل متوکل علی الله است که چنین استقامتی را در فضا به وجود می‌آورد که آحاد صبر می‌کنند. شب تا صبح بچه‌ها از گرسنگی گریه می‌کردند که صدای گریه بچه‌ها از توی شعب ابی‌طالب به گوش کفار قریش می‌رسید و ضعفای آن‌ها هم دلشان می‌سوخت؛ اما از ترس اقویا جرأت نمی‌کردند کمک کنند؛ اما مسلمان که بچه‌اش در مقابلش پرپر می‌زد- که چقدر در شعب مردند؛ چقدر بیمار شدند؛ چقدر گرسنگی کشیدند- تکان نخورد. امیرالمؤمنین(ع) به فرزند عزیزش محمد بن حنفیه فرمود: «کوه‌ها ممکن است تکان بخورند؛ از جا کنده شوند؛ تو از جا کنده نشو» (آمدی، ۱۳۸۶، ح ۵۲۶۶)، این، همان نصیحت پیغمبر است. این، همان وصیت پیغمبر است. این است راه برخاستن امت اسلامی؛ بعثت امت اسلامی، این است. این درس پیغمبر به ماست. بعثت، این را به ما تعلیم می‌دهد» (مقام معظم رهبری، ۸۷/۵/۹). این‌گونه دینداری کردن، مبانی اعتقادی بشر را نیز در مقابله آسیب‌های زمانه، واکنش می‌کند.

۴. تخلق به اخلاق فردی و سازمانی

مقام معظم رهبری می‌فرماید: قدرت و قوت و اعتبار و آبروی یک کشور، بیش از همه چیز به نیروی انسانی آن کشور است. نیروی انسانی را چه کسی درست می‌کند؟ نیروی انسانی - مورد نیاز سازمان‌های کشور- را چه کسی نقد می‌کند؟ چه کسی فعلیت می‌بخشد؟ معلّم (مقام معظم رهبری، ۹۶/۲/۱۷). معلمان پایه‌ریز تمدن نوین هستند؛ چون نیروی انسانی شایسته اگر نباشد، تمدنی به وجود نخواهد آمد (مقام معظم رهبری، ۹۸/۲/۱۱). تربیت فردی و توجه به ارتقاء نیروهای آموزش‌یافته بسیار مهم و کلیدی است. اما ضرورت انجام عملیات سازمان‌یافته و تشکیلاتی در انقلاب اسلامی برای تحقق اهداف آن در جامعه کنونی ما امری مهم‌تر و راهبردی‌تر به نظر رسیده و مورد وفاق دل‌سوختگان نظام است. اما پرداختن به اهمیت آن براساس ادله عقلی و نقلی خارج از وجاهت نبوده و قابل بهره‌برداری است. اهمیت تربیت سازمانی در عین تربیت فردی، در حوزه تربیت امری آشکار است و ضرورت آن را می‌توان از طرق مختلف و با حد وسط‌های گوناگونی تبیین و اثبات کرد. بررسی تحلیل سیره انبیاء و اولیاء الهی، نگاه اجتهادی به روایات ناظر به حوزه تربیت اسلامی و جامعه‌سازی، بررسی تجارب موفق

و ناموفق تشیع در تعمیق باورهای دینی و گسترش کمی و کیفی خود، تفسیر آیات قرآن، تحلیل محتوای بیانات بزرگان و علما و... برخی از ادله اثبات این مهم است.

در اصل زندگی سازمانی و تشکیلاتی، ضرورت زیست اجتماعی است، چراکه اهداف غیرقابل تحقق در ساحت فردی، در سازوکار سازمانی محقق می‌شود؛ انسان برای رسیدن به کمال و سعادت ناگزیر از زندگی و تعامل با محیط پیرامون و به اصطلاح زندگی سازمانی است. تأثیر فرد در سازمان و نقش سازمان در ایجاد تغییرات در شخصیت افرادی که در سازمان کار می‌کنند، از مسائل مورد توجه در جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، و برخی از حوزه‌های دیگر علوم اجتماعی نظیر اقتصاد یا علوم سیاسی بوده است. اصطلاح «انسان سازمانی» که به‌وسیله برخی از محققان سازمان به کار برده شده است، نشانه شناخت اهمیت سازمان به‌عنوان یکی از عوامل اصلی اجتماعی شدن و ایجاد دگرگونی در شخصیت افراد است (صبوری، ۱۳۸۸، ص ۲۵).

حال اهداف سازمانی، یا در فرایند توسعه قدرت انسان تکون یافته و متعین می‌گردد و یا مبتنی بر اضطراب اجتماعی به انسان تحمیل می‌شود. در هر صورت درون سازمان، تولد و مرگ انسان رقم می‌خورد. با این حال، سازمان به‌رغم منفعتی که برای انسان دارد، گاهی در بعد عملکرد سازمانی و گاهی حفظ بهداشت جسم، روح و روان ملت‌ها، با فقدان سلامتی مواجه شده و نابسامانی‌هایی برای انسان امروزی ایجاد می‌کند. بنابراین، ضروری است یک معلم نمونه، در عین تربیت فردی، به‌طور دائم نگاهی به تربیت تشکیلاتی و سازمانی کلان داشته باشد. به عبارت بهتر با این اعتقاد تلاش کند، که در حال تربیت جزئی از یک کل، برای این کشور و این انقلاب هستم.

۵. روحیه علمی جهادی

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: معلّمان عزیز! باید جوانان را بسازید. باید نوجوانان را با روحیه کار، استقلال و علم‌طلبی، پرورش دهید، نه با روحیه‌ی مدرک‌طلبی (مقام معظم رهبری، ۱۳/۲/۷۴). مقام معظم رهبری معلم نمونه را معلمی توصیف می‌کنند که دارای روحیه جهادی و خستگی‌ناپذیر است، چنان‌که در وصف اسوه معلمان عالم شهید مطهری، می‌فرمایند: «خب مرحوم شهید مطهری، مرد دانشمندی بود، مرد متفکری بود، واقعاً عالم بود، فیلسوف بود، فقیه بود. به مسائل فکری تسلط کامل داشت؛ این خصوصیات در این بزرگوار بود لکن آن خصوصیت خیلی مهم و ویژگی ایشان این بود که هم تولید فکر می‌کرد، هم نشر فکر می‌کرد. نشر فکر خیلی مهم است. این بزرگوار آرام نمی‌نشست، آرام و قرار نداشت؛ ما دیده بودیم؛ ایشان دائم در فکر بود، دائم دغدغه داشت که فکر درست را، فکر متقن و

عمقی را بین مخاطبان خود نشر بدهد؛ و یک جهاد نرم‌افزاری به‌تمام معنا را ایشان در طول سالیان متمادی شروع کرده بود؛ با امواج مهاجم روبه‌رو می‌شد و سینه‌به‌سینه می‌شد و با آن‌ها برخورد می‌کرد و بر آن‌ها غلبه پیدا می‌کرد. مسئله هم برای او فقط امواج فکری مارکسیستی و شرقی نبود؛ چه شرقی، چه غربی؛ چه تفکرات مارکسیستی، چه تفکرات لیبرالیستی رایج در غرب؛ با همه این‌ها مواجه می‌شد» (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۲/۱۵).

در جست‌وجوی معنای روحیه جهادی به این سخن از بیانات مقام معظم رهبری می‌رسیم که فرمودند: روحیه‌ی جهادی یعنی کار را برای خدا انجام دادن، کار را وظیفه خود دانستن؛ این روحیه جهادی است (مقام معظم رهبری، ۹۴/۷/۲۲). کسی که روحیه جهادی داشته باشد، مسئولیت‌پذیر است و نمی‌گذارد کاری روی زمین بماند، چون کار را وظیفه خود می‌داند، کسی که روحیه جهادی داشته باشد کار را به بهترین نحو و به‌طور کامل و تمام انجام می‌دهد، چون خدا را در نظر دارد و کار را برای خدا انجام می‌دهد. روحیه جهادی، نقطه مقابل بی‌تفاوتی نسبت به مشکلات مردم و جامعه و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت است، نقطه مقابل کم‌گذاشتن از کار و تنبلی است، نقطه مقابل حقوق نجومی گرفتن است. پس منشأ خیلی از مشکلاتی که در کشور داریم، نداشتن روحیه جهادی است و راه علاج این مشکلات، تقویت روحیه جهادی در مردم و در مسئولین است.

در جای دیگری مقام معظم رهبری در وصف روحیه جهادی و خستگی‌ناپذیری می‌فرمایند: «با حرکت عادی نمی‌شود پیش رفت. با حرکت عادی و احیاناً خواب‌آلوده و بی‌حساسیت نمی‌شود کارهای بزرگ را انجام داد. یک همت جهادی لازم است. تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای این کارها لازم است. باید حرکتی که می‌شود، هم علمی باشد، هم پرقدردان باشد، هم با برنامه باشد و هم مجاهدانه باشد» (مقام معظم رهبری، ۹۲/۱۲/۲۰).

«روحیه جهادی لازم است. ملت ما از اول انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه جهادی وارد میدان شده، پیش رفته. این را ما در دفاع مقدس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده می‌کنیم. اگر ما در بخش‌های گوناگون، روحیه جهادی داشته باشیم، یعنی کار را برای خدا، با جدیت و به‌صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم (نه فقط به‌عنوان اسقاط تکلیف)، بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت» (مقام معظم رهبری، ۹۰/۱/۱). «کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمان‌ها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است. کار را باید جهادی انجام داد تا ان شاءالله خدمت به‌خوبی انجام بگیرد» (مقام معظم

رهبری، ۹۲/۶/۶). مدیریت جهادی، نوعی مدیریت ویژه و فی سبیل الله است که نمونه بارز آن را در دفاع مقدس شاهد بودیم. دولت و ملت ایران ثمره این مدیریت را چشیده‌اند و تجربه ثابت کرده که مدیریت جهادی یکی از مؤثرترین روش‌ها برای فائق آمدن بر مشکلات پیش آمده است. در مسیر اجرای مدیریت جهادی باید مدیرانی کم‌توقع و پرتحرک پا به میدان بگذارند و برای دستیابی به اهداف نظام، کارها را با جدیت دنبال کنند.

۶. مقابله با استحاله فرهنگی

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: ما باید شاخص‌های ممتاز و برجسته را در دانش‌آموزان زنده کنیم. در او مفاهیم جریان‌ساز و عمل‌ساز را تولید کنیم و به راه بیندازیم و زنده کنیم؛ ایمان؛ اندیشه‌ورزی، یاد بگیرد فکر کند؛ مشارکت اجتماعی. اگر چنانچه توانستید این مفاهیم جریان‌ساز را در ذهن دانش‌آموزان رسوخ بدهید، خدمت بزرگی به آینده‌ی کشورتان کرده‌اید (مقام معظم رهبری، ۹۵/۲/۱۳).

پرسشی که مطرح است، این است که چه کسی باید این آموزه‌های مدنظر مقام معظم رهبری را به دانش‌آموزان آموزش دهد؟ مسلم است؛ معلم. معلمان خط مقدم مبارزه با استحاله فرهنگی در جامعه ما هستند. فرهنگ هر ملتی دژ حیات آن مردم و جامعه است که بر فراز قله هستی یک ملت بنا می‌شود، فرهنگ ماندگارترین وجه زندگی بشر است و در تعریف آن باید گفت: «فرهنگ یک مفهوم گسترده است که شامل ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای موجود در جوامع بشری و همچنین دانش، باورها، هنرها، قوانین، آداب و رسوم، توانایی‌ها و عادت‌های افراد در این گروه‌ها می‌شود» (لوکاس، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۴).

منظور از استحاله فرهنگی، تلاش دشمنان یک ملت برای گرفتن اعتقادات و ارزش‌های مردم آن جامعه است. مردمی که با پشتوانه دینی و ملی خود سرمایه عظیمی از فرهنگ و دستاوردهای فرهنگی را با خود دارند. این فرهنگ براساس اعتقادات دینی مردم شکل گرفته و باعث ترقی و تعالی آن‌ها شده و می‌شود. دشمن تلاش می‌کند تا به شیوه‌های گوناگون، به جنگ فرهنگی آنان رفته و فرهنگ آنان را مورد هجوم قرار داده، و با تغییر فرهنگ آنان آن ملت را از پای درآورد. فرهنگ آنان را که در واقع هویت آن ملت است از آن‌ها گرفته و فرهنگ دل‌خواه خود را جایگزین آن می‌کند در نتیجه مردم بی‌هویت شده، فرهنگی وارداتی جایگزین آن خواهد شد و در واقع نوعی براندازی است که وابستگی‌های دیگر را به دنبال دارد.

تاریخ نشان می‌دهد که در بین عواملی که در ظهور و سقوط و انحراف جوامع و حرکت‌های

اصلاحی نقش‌آفرین است، عامل فرهنگ از همه مهم‌تر است. در صورت قوی بودن عنصر فرهنگ، ضعف‌های عناصر سیاست و یا اقتصاد جبران‌پذیر است، اما در صورتی که عنصر فرهنگ ضعیف شود یا منحرف شود عناصری چون اقتصاد یا سیاست نیز با وجود اقتدارشان نمی‌توانند یک جامعه یا یک حرکت اصلاحی اجتماعی را از خطر سقوط یا انحراف نجات دهند.

۷. روحیه تحلیل‌گری و نقادی

مقام معظم رهبری در تکریم شخصیت و ویژگی‌های مطلوب معلم تراز انقلاب اسلامی می‌فرماید: «یک کشور اگر بخواهد به سرفرازی برسد، به رفاه و غنا برسد، به علم و تفوق علمی منتهی شود، اگر بخواهد مردم شجاع، آزاده، فهمیده، عاقل، خردمند و متفکر-دارای روحیه استدلال و تحلیل‌گری- تحویل جامعه بشری دهد، باید این زیرساخت اصلی را درست کند؛ زیرساخت تعلیم دوران کودکی و نوجوانی. این، شأن معلم است» (مقام معظم رهبری، ۹۲/۲/۱۸).

از وظایف دیگر معلمان و مربیان، پرورش روحیه تحلیل‌گری و استدلال دانش‌آموز-طبق منویات مقام معظم رهبری- برای تربیت نسلی خردمند، عاقل و فهمیده است. در اصل ترویج فرهنگ مطالعه و ایجاد روحیه پرسش‌گری باید از دوران کودکی و از مدرسه شروع شود. پرورش نسل دانا و ترویج فرهنگ مطالعه، نیازمند تقویت روحیه پرسش‌گری و استدلال است. در اهمیت تحلیل‌گری و تفکر نقاد، همین بس که بسیاری از تحقیقات عمده در جهان از این طریق احراز شده و این جز به مدد پرسش‌گران و استدلال‌گران مطلع و آگاه میسر نیست.

معلم می‌تواند، استدلال‌گری و روحیه پرسش‌گری و توانایی نقد و تحلیل پدیده‌ها را در دانش‌آموزان تقویت کند. معلمان و دانش‌آموزان با این روحیه، به شناسایی عوامل پیشرفت جامعه می‌پردازند و با حساس کردن فضای فرهنگی جامعه، تنگناها و مشکلات جامعه را شناسایی می‌کنند. بدون شک شناسایی مسائل و تنگناهای اجتماعی نیز در ارائه راهکارهای مناسب در جهت رفع آن‌ها مؤثر خواهد بود.

۸. خودباوری در پیشرفت علمی

مقام معظم رهبری در تأکید بر مسئله خودباوری می‌فرماید: نکته بعد، خودباوری است. ما باید کودک را از آغاز دارای اعتمادبه‌نفس و باور به هویت خود بار بیاوریم. البته این مخصوص کودکان دبستانی نیست؛ در دبیرستان هم همین هست، در دانشگاه هم همین هست. در کشور ما متأسفانه فرهنگ کاملاً منحرفی از گذشته پایه‌گذاری شده، که هنوز آثارش از بین نرفته- با این همه تبلیغاتی که ماها از اول انقلاب تا امروز داشتیم- و آن، نگاه نیازمندان‌ی به سمت غرب، بزرگ دیدن غرب و کوچک

دیدن خود در مقابل اوست؛ که متأسفانه این فرهنگ ریشه‌کن نشده و وجود دارد؛ این به دلیل نبود خودباوری است. اینکه شما ملاحظه می‌کنید فلان مارک جنس خارجی پول بیشتری طلب می‌کند، اما طرفدار بیشتری هم در بین یک طبقه‌ای دارد، در حالی که جنس مشابه داخلی گاهی کیفیتش بهتر از آن است، به خاطر همین نگاه است؛ این یک بیماری است، این یک آفت است. اگر چنانچه گفته شود که فلان متخصص، دوره‌های تخصص را در داخل گذرانده است، به خارج نرفته است، در وهله اول یک نگاه منفی نسبت به او وجود خواهد داشت. بله، اگر چنانچه این متخصص داخلی که در داخل تحصیل کرده، با کارهای برجسته خود توانست این باور را به هم بزند- که در این سال‌های اخیر، فراوان هم اتفاق افتاده- آن مطلب دیگری است؛ اما مادامی که بگویند این تحصیلکرده خارج است، این تحصیلکرده داخل است، نگاه به او برتر خواهد بود. این‌ها عیب است. خودباوری را باید در جوان‌ها مان، در کودکانمان تقویت کنیم (مقام معظم رهبری، ۹۱/۷/۲۰). معلمی، شغلی مقدس به حساب می‌آید و آینده هر مملکتی وابسته به آن است. بنابراین، توجه به وضعیت معلمان و یافتن راه‌های بهبود روش‌های تدریس آن‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد.

۹. راهکار عملی برای پرورش معلم مطلوب از نظر مقام معظم رهبری

به‌طور کلی یکی از مفاهیم و محورهای اصلی روش تحقیق، تبدیل کردن مفاهیم به عناصر قابل مشاهده و قابل سنجش است. با جمع‌آوری مفاهیم تربیت صحیح در حوزه معلم شایسته، در نگاه سکاندار انقلاب اسلامی، شاخص و الگویی برای تربیت معلم ارائه شد. بعد از تنظیم و تدوین این الگوی کاربردی، باید بستری فراهم کرد تا این منویات به احسن وجه اجرا شوند. این بسترها عبارتند از: (۱) الهام از بیانیه گام دوم انقلاب که قریب ۴۱ خطاب تربیتی در باب کرامت و شأن‌الای انسانی، در آن دیده می‌شود.

(۲) توجه به سند بنیادین شورای عالی انقلاب فرهنگی که در باب تحول آموزش و پرورش نگاشته شده است که اهداف تربیت را با این الگو معرفی می‌کنند: «تربیت انسانی موحد، مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت‌جو و عاقل، عدالت‌خواه و صلح‌جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن‌دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی‌اندیش، ولایت‌مدار و منتظر و تلاش‌گر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت نفس، امانت‌دار، دانا و توانا، پاکدامن و باحیا، انتخاب‌گر و آزادمنش، متخلق به اخلاق اسلامی، خلاق و کارآفرین و مقتصد و ماهر، سالم و بانشاط، قانون‌مدار و نظم‌پذیر، و آمادگی

ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی براساس نظام معیار اسلامی انجام پذیرد» (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۲، ص ۲۱).

۳) برگزاری دوره‌های تئوری و عملی به صورت ویژه براساس منویات مقام معظم رهبری: دوره‌های تخصصی که در مسیر پرورش شاخصه‌های تربیتی معلم تراز انقلاب از منظر مقام معظم رهبری، که توسط نگارنده پژوهش پیش رو، پیشنهاد شده است، به سیر آموزشی معلمان اضافه گردد و در صورت صلاحدید و بررسی متخصصان، در دستور کار دانشگاه فرهنگیان و رجایی و مرکز گزینش آموزش و پرورش قرار گیرد.

۴) فیلتر قوی برای گزینش و استخدام معلمان و آینده‌سازان؛ «بی‌سوادی سفید» در نگاه اول، مشاهده نمی‌شود و این نوع بی‌سوادی به کسی فشار نمی‌آورد، به سادگی قابل سنجش نیست و در آمارها ثبت نمی‌شود. این نوع بی‌سوادی، وقتی با انواع مدارک رنگارنگ دانشگاهی، تأیید و تقویت شود، «ندانستن مرکب» (یا همان جهل مرکب) را باعث می‌شود.

۵) اصلاح سیاست‌های کلان در باب تکریم و ارج نهادن مقام معلم در جامعه اسلامی به لحاظ معیشتی، منزلت اجتماعی، کاهش دغدغه‌های غیرتربیتی معلم، کاهش تراکم کاری و خستگی مفرط معلمان در برنامه‌ریزی‌های کلان، تبیین ارزش کار تربیت و توجه به سلامت روان آموزگار.

۶) فراهم آوردن زمینه ارتقاء کیفی و تحصیلی، از جمله دغدغه‌های معلمان، عدم پیشرفت و رکود علمی و درجا زدن در روزمرگی کلاس و درس است. می‌توان با فراهم آوردن آموزش‌های ضمن خدمت معلمان و الزام آنان برای افزایش و پیشرفت علمی و توجه کیفیت مربیان خط مقدم فرهنگ‌سازی این مسئله را حل کرد.

۱۰. نتیجه‌گیری

فن معلمی هنری ظریف و حساس است که با کمترین لغزش و خطا خسارت جبران‌ناپذیری بر شخصیت فراگیر وارد می‌کند و قطعاً هرگونه رفتار صحیح و سنجیده موجب آینده‌ای درخشان برای فرد می‌شود. فرمایشات رهبر فرزانه انقلاب برای ما حکم نقشه مسیر شکوفایی اهداف انقلاب اسلامی را

۱. نوعی از بی‌سوادی که دیده نمی‌شود و یا شفاف و آشکار نیست. یعنی کسب علم تا درجات بالاتر، تلاش بی‌امان شبانه‌روز برای تحصیل علم و کسب رزومه‌های بیشمار برای وجهه علمی و اجتماعی و شاید کسب شخصیت تحصیل‌زدگی اما بی‌نصیب از دانش زندگی.

دارد؛ بنابراین، بر آن شدیم تا از دیدگاه آن حکیم فرزانه شاخصه‌های معلم مطلوب را ارزیابی کنیم. ما به معلمانی نیاز داریم که بتوانند دانش‌آموزان را به سلاح آموزه‌های مادی و معنوی تجهیز کنند. آموزگار نمونه باید متصف به صفات متفاوتی باشد و به صورت همه‌جانبه رشد کرده باشد؛ در جنبه‌های انقلابی‌گری، معلم باید در عین مجاهدت در حوزه علم و اندیشه، اهتمام و جدیت بسیاری در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دوران خود به‌ویژه در راستای تقویت گفتمان انقلاب اسلامی ایران داشته باشد. در جنبه بصیرت باید به‌گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان اغلب در نگاهشان به معلم، شخصیتی را ببینند که دارای رفتاری منطقی، دقیق و برنامه‌ریزی شده است و برای هر کلام و گفتار خود دلیل و برهانی از پیش آماده دارد. با نگاه به تاریخ و اشراف به حوادث عبرت‌ساز گذشته آرمان‌خواهی و آرمان‌گرایی را به دانش‌آموز منتقل کند. فراموش نکند؛ هدف از آموزش تنها افزایش معلومات مخاطب نیست، بلکه هدف اصلی، پرورش ایمان و نیل به تربیت دینی و الهی است. خودسازی و هویت دینی خود را در پرتو معنویت ارتقا بخشد. در عین تربیت فردی، ضرورت انجام عملیات سازمان‌یافته و تشکیلاتی در انقلاب اسلامی برای تحقق اهداف آن در جامعه را درک کرده و اهتمام ورزد. دغدغه ظاهرمحوری و تقلب‌های علمی را از سر فراگیران بیرون آورد. با ایمان و اندیشه‌ورزی و تفکر نقاد، مخاطبش را تحلیل‌گر و دقیق بار بیاورد. همیشه این امید را در دل‌ها یادآور شود که ما می‌توانیم؛ به خودباوری در پیشرفت علمی و عملی و حوزه‌های مختلف زندگی تأکید ورزد.

در پایان نیز راهکارهایی برای اجرای این مدل معلم‌پروری ارائه شد. مثل الهام از بیانیه گام دوم و سند بنیادین تحول، برگزاری دوره‌های تئوری و عملی ضمن خدمت، فیلتر قوی جذب و گزینش معلمان، اصلاح سیاست‌های کلان و فراهم آوردن زمینه پیشرفت ضمن خدمت.

— منابع —

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

آمدی، ابوالفتح (۱۳۸۶). *غررالحکم و درر الکلم*. قم: نشر کاظمی.ابن منظور انصاری، محمد (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: نشر دار صادر، ج ۲.احدی، بهزاد؛ سید عامری، میرحسین (۱۳۹۴). معیارهای حرفه‌ای معلمان تربیت بدنی (مطالعه موردی: شهر ارومیه). *مطالعات مدیریت ورزشی*، شماره ۳۳، ص ۱۴۶-۱۲۹.

بانک جامع بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۴۰۰). مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۴۰۰.

دیباچی صابر، محسن؛ عباسی، عفت؛ فتحی و اچارگاه، کوروش؛ صفایی موحد، سعید (۱۳۹۹). تبیین مولفه‌های شایستگی حرفه‌ای معلمان و تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران. *پژوهش‌های آموزش و یادگیری*، ۱۳(۲)، ص ۱۰۹-۱۲۳.سلیمان پور عمران، محبوبه (۱۳۹۱). *مطالعه تطبیقی شرایط پذیرش معلم در ایران، ژاپن، آلمان و آموزش انگلستان*. در: *بابل: کنفرانس ملی معلمان با چشم‌انداز ۱۴۰۴*.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران: نشر شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۵.

سیف، علی اکبر (۱۳۸۵). *روانشناسی تربیتی*. تهران: دانشگاه تهران.صبوری، منوچهر (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی سازمان‌ها*. تهران: نشر شب‌تاب.قرانتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.گندمی، فهیمه؛ مهرمحمدی، محمود؛ سجادی، مهدی؛ طلایی، ابراهیم (۱۳۹۶). تبیین بالندگی حرفه‌ای معلمان. *مطالعات درسی ایران*، ۱۱(۴۴)، ص ۴۸-۲۷.لوکاس، هنری (۱۳۹۹). *تاریخ تمدن*. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: نشر سخن، ج ۱.مجلسی، محمدباقر (۱۳۵۴). *بحار الانوار*. تهران: کتابفروشی اسلامیة، ج ۲.معین، محمد (۱۳۸۳). *فرهنگ فارسی*. تهران: موسسه امیرکبیر، ج ۱.